

# Theoretical Integration of New Institutional Economics

Somayeh Heidari<sup>1</sup>

| heidari.somayeh@razi.ac.ir

Mojtaba Almasi<sup>2</sup>

| mojtabaalmasi@razi.ac.ir

Shahram Fatahi<sup>3</sup>

| sfattahi@razi.ac.ir

Received: 04/10/2021 | Accepted: 06/03/2022

**Abstract** The purpose of this study is to investigate the theoretical integration or eclecticism of New Institutional Economics (NIE) on the basis of the four-stage Tillings model. The first step demonstrates that the new institutionalists, as to confront the hegemonic scientific mainstream, stated that their goal was to moderate neoclassical assumptions, but in fact, their main goal was to expand and strengthen institutional thinking in the neoclassical context. The second step indicates that NIE, in terms of assumptions such as methodological individualism and limited rationality, considers the institutional framework as an interactive rule that individuals implement to reduce the Transaction Cost (TC). TC is the connecting point that brings institutions into neoclassical economic performance; so it can be concluded that the NIE has been successful in establishing a metalanguage. The third step maintains that the composition is synthetic and vertical. An in-depth study of the issue in the last step illustrates that the most important challenge of the NIE is the occurrence of infinite regression due to conditional optimization of the institutional framework. The occurrence of such conflicts does not imply an unintentional theoretical eclecticism, but rather the use of neoclassical theory as a means of influencing institutional thinking among economists. All of these results indicate the proper integration of NIE as a research program.

**Keywords:** Neoclassical Economics (NE), Old Institutional Economics (OIE), Transaction Cost (TC), Paradigm, Scientific Research Program.

**JEL Classification:** B13, B52, D23.

1. Ph.D. in Economics, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author).

2. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

3. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

# بررسی انسجام نظری اقتصاد نهادگرایی جدید

heidari.somayeh@razi.ac.ir |

سمیه حیدری

دانش‌آموخته دکتری اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).

mojtabaalmasi@razi.ac.ir |

مجتبی الماسی

دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

sfattahi@razi.ac.ir |

شهرام فتاحی

دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

مقاله پژوهشی

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲

**چکیده:** هدف پژوهش حاضر، بررسی انسجام یا التقاط نظری اقتصاد نهادگرایی جدید بر اساس الگوی چهارمرحله‌ای تلینگز است. بررسی اولین گام نشان می‌دهد که نهادگرایان جدید به منظور عدم تقابل آشکار با جریان قدرتمند علمی آن زمان، هدف خود را تعدیل فروض نئوکلاسیکی اعلام کردند، اما در واقع هدف اصلی آن‌ها، گسترش و تقویت تفکر نهادی در بستر نئوکلاسیکی بود. بررسی گام دوم نشان می‌دهد که این نحله با لحاظ فروضی نظیر فردگرایی روش‌شناختی و عقلانیت محدود، چارچوب نهادی را به عنوان قواعد تعاملی می‌داند که افراد از آن برای کاهش هزینه مبادله استفاده می‌کنند. هزینه مبادله نقطه اتصالی است که نهادها را به عملکرد اقتصادی نئوکلاسیکی وارد می‌کند، پس می‌توان نتیجه گرفت که نهادگرایی جدید در برقراری فرازبان موفق بوده است. در گام سوم، مشخص می‌شود که ترکیب از نوع سنتزی و عمودی است. بررسی عمیق موضوع در گام آخر نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش نهادگرایی جدید، بروز پسگرد نامحدود نهادی به علت بهینه‌سازی مشروط به چارچوب نهادی است. وقوع چنین تعارضاتی دال بر التقاط نظری ناآگاهانه نیست، بلکه به علت استفاده از نظریه نئوکلاسیک به عنوان ابزاری برای نفوذ تفکر نهادی میان اقتصاددانان است. جمیع این نتایج حکایت از انسجام مناسب این جریان به عنوان یک برنامه پژوهشی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد نئوکلاسیک، اقتصاد نهادگرایی قدیم، هزینه مبادله، پارادایم، برنامه

پژوهش علمی

طبقه‌بندی JEL: B13, B52, D23

## مقدمه

یکی از تلاش‌های مهم نظریه‌پردازان، تلاش برای ترکیب رویکردها یا نظریه‌های مختلف برای کاهش محدودیت‌های نظریه‌های مبدأ و دستیابی به نظریه‌ای جامع است. برای بهره‌مندی صحیح از این مزایا باید در نظر داشت که از حیث چگونگی امتزاج بین ادغام<sup>۱</sup> یا التقاط<sup>۲</sup> تمایز وجود دارد. ادغام ترکیبی است که در آن عناصر ساختار جدید از وحدتی ارگانیک برخوردار هستند، اما در التقاط ترکیب اجزا غیراصولی و نامتجانس است (Tellings, 2001). در حوزه اقتصاد نیز تقابل و انتقادات جریان‌های مختلف نسبت به یکدیگر نقش موثری در امتزاج و ایجاد نظریه‌های اقتصادی نظیر اقتصاد نهادگرایی جدید<sup>۳</sup> داشته است. این نحله از مواجهه انتقادی دو سنت فکری رقیب یعنی اقتصاد نئوکلاسیک<sup>۴</sup> و اقتصاد نهادگرایی قدیم<sup>۵</sup> و بر مبنای ترکیب اصول آن‌ها ظهور یافته است. هم‌اوردی و انتقادات این دو جریان به حدی بوده است که متفکران این دو جریان را معاند می‌دانسته‌اند (Williamson, 1998). با توجه به مواضع شدید انتقادی آن‌ها به یکدیگر، پرسش‌هایی به ذهن متبادر می‌شود که آیا نهادگرایی جدید به مثابه ساختاری یکپارچه است؟ یا این که درجاتی از ناهمگونی و التقاط در پیوند نوظهور نهادی مشاهده می‌گردد؟ در صورتی که میان مولفه‌های نحله جدید نهادی سازگاری درونی وجود دارد، چه فرض و ابداعاتی موجب تجانس و انسجام اصول نظری از جریان‌های معارض گردیده‌اند؟ پژوهش حاضر تلاشی علمی برای پاسخگویی به این پرسش‌هاست.

پس از بیان مسئله ضروری است در راستای نیل به هدف پژوهش، یعنی بررسی انسجام نظری «اقتصاد نهادگرایی جدید»، مشخص گردد که کسب معیارهای سازگاری یا التقاطی بودن از طریق کدام یک از نظریه‌های علمی قابل پیگیری است. بر اساس این، ابتدا ساختار نظریه‌های مختلف علمی در قالب ادبیات موضوع تشریح می‌گردد. سپس نظریه علمی مناسبی که می‌تواند چارچوب‌ها و معیارهای انسجام نظری را فراهم نماید، معرفی می‌گردد. پس از توضیح روش پژوهش، بر مبنای آن گام‌به‌گام اهداف پژوهش پیگیری می‌گردد، به نحوی که در اولین گام دلایل ناظر بر ظهور نهادگرایی جدید از دل انتقادات و رویارویی میان نئوکلاسیک‌ها و نهادگرایی قدیم بیرون آورده می‌شود. پس از شناخت و تشریح اصول نظری و کارکردهای نهادی نحله متاخر، ساختار نوظهور از لحاظ سازگاری

1. Integration
2. Eclecticism
3. New Insitutional Economics (NIE)
4. Neoclassical Economics
5. Old Institutional Economics (OIE)

فروض و نوع ترکیب نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در راستای کاوش عمیق‌تر موضوع، چالش‌ها و تعارض‌های نحله جدید از نگاه انتقادی ارائه می‌گردد. نهایتاً در بخش پایانی نتیجه‌گیری و نتایج پژوهش در مورد التقاط یا انسجام اقتصاد نهادگرایی جدید ارائه می‌گردد.

### مبانی نظری پژوهش

علم در تاریخ پرفرازونشیب خود با مجموعه‌ای از نظریه‌ها و روش‌های متعددی روبه‌رو بوده که هر کدام در مقطعی ظهور کرده و مورد استفاده قرار گرفته است. تا قبل از قرن بیستم، دانشمندان علوم برای پیشبرد فعالیت‌های علمی خود، خواه‌ناخواه به مباحث متافیزیکی و کلامی متوسل می‌شدند و با این کار استقلال علم را خدشه‌دار می‌کردند. اما پس از این دوران، اثبات‌گرایان<sup>۱</sup> با استفاده از تحویل‌پذیری<sup>۲</sup> و تحقیق‌پذیری<sup>۳</sup> به دنبال وحدت‌گرایی در علم بودند (گیلیس، ۱۳۹۴). اثبات‌گرایی منطقی<sup>۴</sup> نیز علاوه بر تاکید بر تجربه‌گرایی و حذف مباحث کلامی و متافیزیکی، به منظور بالا بردن دقت در علم، به استفاده از منطق ریاضی و اثبات در نظریه‌های فلسفه علم متمایل بود (Neurath et al., 1971). پس از این دوران، تعدادی از اندیشمندان نظیر پوپر<sup>۵</sup> با نقد این اصول به معرفی معیار جدیدی برای علم پرداختند. پوپر معتقد است که دانش علمی از طریق فرایند آگاهانه حدس و ابطال شکل می‌گیرد و رشد می‌کند. کسی نمی‌تواند حدس‌های خود را اثبات کند، اما می‌تواند آن حدس‌ها را با شواهد یا دلایل نظری ابطال نماید (Mohammadi Alamuti, 2021). با چنین دیدگاهی، انتقاد پوپر از تحقیق‌پذیری با نقد استقرارگرایی<sup>۶</sup> آغاز می‌شود. روش استقرا در علم بدین صورت است که ابتدا مشاهدات و داده‌های حسی را جمع‌آوری می‌کند و سپس به کمک استقرا قوانین و نظریه‌ها را از این داده‌ها استنتاج می‌نماید. پوپر با انتقاد از این نوع نگاه به علم معتقد است که هیچ مشاهده‌ای بدون پشتوانه نظری صورت نمی‌گیرد. پوپر معتقد است دانشمند برخلاف استقرا کارش را با مشاهده آغاز نمی‌کند، بلکه از حدس (یا فرضیه) آغاز می‌کند و سپس می‌کوشد با نقادی و آزمون، حدس‌ها را ابطال نماید. حدس یا فرضیه‌ای که در مقابل تعدادی آزمون سخت تاب آورده باشد، به‌طور موقت پذیرفته می‌شود. بر اساس این، هیچگاه نمی‌توان در مورد یک نظریه یا قانون

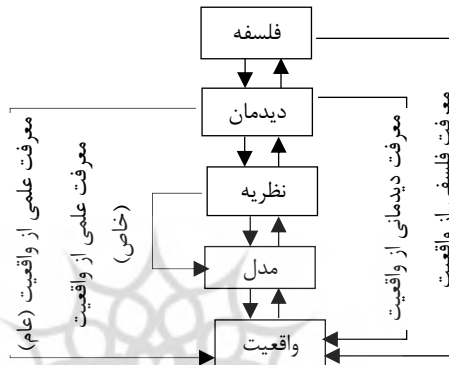
1. Positivists
2. Reductionism
3. Vertificationism
4. Logical Positivism
5. Popper
6. Inductivism

علمی معرفت یقینی داشت (Popper, 1963). لاکاتوش<sup>۱</sup> در نقد اثبات‌گرایی، استقرارگرایی و ابطال‌گرایی عنوان می‌کند که آن‌ها به دنبال ارزیابی و عقلانیت آنی<sup>۲</sup> هستند. منظور از معقولیت آنی یا لحظه‌ای، نظریه معقولیت یا روش‌شناسی است که بتواند در آن واحد مشخص نماید که کدام نظریه یا برنامه بهتر از رقبای خود است (Lakatos, 1976). بسیاری از اندیشمندان معتقدند ایراد اصلی مدل پوپر این است که نمی‌توانست تفسیری واقعی از پیشرفت علم ارائه دهد، چرا که تاریخ پر است از وقایعی که بر اساس آن، دانشمندان با وجود شواهدی که به نظر می‌رسد مبطل نظریه‌ها باشد، عملاً به استفاده از آن‌ها ادامه می‌دهند (گیلیس، ۱۳۹۴).

کوهن<sup>۳</sup> انتقادگرایی پوپر را از نظر تاریخی به اندازه استقرارگرایی دور از واقعیت می‌داند. کوهن از مدل‌های پوزیتیویستی و پوپری عقلانیت علم و بر عقلانیت‌گزینش نظریه‌ها و بی‌توجهی به عناصر تاریخی نیز خرده می‌گیرد. از نظر وی، درست است که مشاهده و آزمایش به‌نحو چشمگیری می‌تواند و باید دامنه‌های علم پذیرفتنی را تحدید کنند، اما آن‌ها نمی‌توانند به‌تنهایی به مجموعه مشخصی از این‌گونه باورها تعیین‌بخشند (Kuhn, 1970). بنابراین، تشخیص نقایص و بی‌کفایتی معیارهای تحقیق‌پذیری، تحویل‌پذیری، و ابطال‌گرایی در تبیین علم، فیلسوفان را بر آن داشت که بُعد تاریخی علم را مورد توجه قرار دهند (Feyerabend, 1970). بر اساس این، کوهن معتقد است که علم گذشته نباید از منظر علم امروز نگریسته و قضاوت شود، بلکه مورخ باید ارزش‌ها و معیارهای همان تاریخ را برای روایت خود بکار بگیرد. او معتقد است علم متعارف تحت سلطه دیدمان‌ها (= پارادایم) است. دیدمان، مجموعه‌ای از مفروضات مفهومی و روش‌شناختی استاندارد و منسجمی است که نظریه‌ها بر اساس آن شکل می‌گیرند. ناهنجاری‌ها در مسیر علم متعارف موجب می‌شود که دانشمندان به فکر بیفتند دیدمان رقیب را جایگزین دیدمان پیشین کنند. نیاز به اشاره است که حد فاصل جابه‌جایی دو دیدمان وضع «بحرانی» است و دگرگونی دیدمان به وقوع انقلاب علمی می‌انجامد. این تغییر یا باید کامل صورت گیرد یا اصلاً صورت نپذیرد، زیرا مشاهده‌ها و معیارها تابع دیدمان هستند (Kuhn, 1970). پس نظریه‌ها را می‌توان در قالب یک دیدمان ارزیابی کرد، اما معیاری عینی و بیرونی برای ارزیابی خود دیدمان‌ها وجود ندارد. شایان اشاره است که هرگونه تخطی از آرمان‌های دیدمان به معنای تغییر کیش قلمداد می‌شود و هر اندیشمندی که از این مبانی منحرف شد، دیگر جزو آن

1. Lakatos
2. Instant Rationality
3. Kuhn
4. Paradigm

نظام دیدمانی به حساب نمی‌آید. مطابق شکل (۱)، سطح فلسفی انتزاعی‌ترین سطح ورود به واقعیت است، در حالی که مباحث عمیق فلسفی در سطح دیدمان یک شکل منطقی به خود می‌گیرند تا در نظریه بروز و ظهور یابند.



شکل ۱: سلسله‌مراتب معرفتی در توضیح واقعیت مطابق دیدمان کوهن (ایمان، ۱۳۹۰: ۲۲)

کوهن با تفکیک بین علم متعارف و علم انقلابی هرچند از عقلانیت آنی که مدل پوپری گرفتار آن بود رها شد، اما به اعتقاد برخی منتقدان نظیر لاکاتوش، دیدگاه او به علت ارائه ندادن ملاک عینی برای تشخیص برتری میان دیدمان‌ها، نسبی‌گرایانه است. لاکاتوش ضمن مخالفت با تکثرگرایی در نقد عقلانیت آنی، عنوان می‌کند که ملاک‌های ارزیابی تنها با گذشت زمان مشخص می‌شوند. او با تصریح اهمیت تاریخ علم اذعان می‌دارد که «آزمون نظریات» برخلاف نظر پوپر، نبردی دوطرفه بین مشاهده و نظریه نیست، بلکه نبردی بین تجربه و دو نظریه رقیب (یا بیش‌تر) است، پس نظریه‌ها تنها با چند اعوجاج ابطال نمی‌شوند (Lakatos, 1976). بر اساس این، او به عنوان یک ابطال‌گرای روش‌شناختی، از معقولیت آنی (غیرآنی) یا «عقل بودن بعد از واقعه» سخن می‌گوید. لاکاتوش به منظور احتراز از مشکلات فوق، به ارائه روش‌شناسی خود موسوم به «روش‌شناسی برنامه‌های پژوهشی علمی»<sup>۱</sup> می‌پردازد. وی با در نظر گرفتن رشد بلندمدت نظریه‌های علمی، پژوهش را فعالیتی سازمان‌یافته معرفی می‌کند که زنجیره‌ای از نظریه‌ها را ارزیابی می‌نماید (Lakatos, 1970). مطابق این معیار،

وحدت هر برنامه پژوهشی را هسته سخت<sup>۱</sup> آن برنامه تضمین می‌کند. هسته سخت فرضیه‌های نظری، بسیار کلی، و مشترکی هستند که در تمام نظریه‌های آن برنامه پژوهشی موجودند، اما فرضیه‌هایی که در زنجیره نظریه‌ها قابل تغییر هستند، کمربند محافظتی<sup>۲</sup> آن برنامه را تشکیل می‌دهند. دانشمندی که هسته سخت را تغییر دهند، از آن برنامه پژوهشی خارج و وارد برنامه پژوهشی دیگری می‌شوند (Lakatos, 1976). برای روشن تر شدن برنامه پژوهشی، شکل (۲) اجزای اصلی دیدگاه لاکاتوش را به تصویر می‌کشد:



شکل ۲: اجزای اصلی برنامه پژوهشی لاکاتوش

اگر یک برنامه پژوهشی به واسطه تغییراتی در کمربند محافظتی موجب پیدایش نظریه‌های جدیدی در این نظریه شود و این تغییرات به پیش‌بینی‌های جدید بینجامد، این برنامه به لحاظ نظری پیشرو است. اگر برخی از این پیش‌بینی‌ها تایید شوند، این برنامه به لحاظ تجربی نیز پیشرو است (Lakatos, 1976). اگر رشد نظری یک برنامه پژوهشی از رشد تجربی‌اش پیشی بگیرد، یعنی این برنامه پژوهشی پیش‌بینی‌هایی درباره پدیده‌های بدیع ارائه نماید که برخی از آن‌ها درست از آب درآیند، آن برنامه پیشرو خواهد بود، و اگر رشد نظری برنامه‌ای از رشد تجربی‌اش عقب افتد، برنامه‌ای راکد یا رو به زوال خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر برنامه پژوهشی پیش‌بینی‌ای برای پدیده‌ها نداشته باشد و تنها پس از اکتشاف شانس به ارائه توجیهی بپردازد که صرفاً مانع ابطال هسته سخت شوند، آن برنامه رو به زوال خواهد بود (Lakatos, 1970).

1. Hard Core
2. Protective Belt

کار درون یک برنامه پژوهشی منفرد، همان‌گونه که شکل (۳) نشان می‌دهد، شامل بسط و جرح کمربند محافظ از طریق افزایش یا تعدیل فرضیه‌های گوناگون است. اما در خصوص برنامه‌های پژوهشی رقیب، قابلیت‌های نسبی آن‌ها باید با توجه به میزان پیشرو یا رو به زوال بودن آن‌ها ارزیابی شود. پیشرو بودن یک برنامه پژوهشی به درجه انسجام و سازگاری درونی آن و میزان پیش‌بینی‌های بدیع بستگی دارد (Lakatos, 1976).



شکل ۳: نحوه تغییر یک برنامه پژوهشی منفرد طی زمان

در پایان این بخش، جدول (۱) برای مقایسه ویژگی‌ها و مختصات مکاتب عمده در نظریه‌های علمی که از انتهای قرن ۱۹ میلادی مطرح گردیدند، ارائه می‌گردد.

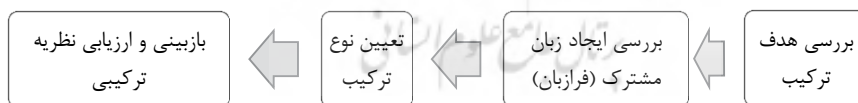
جدول ۱: مقایسه مولفه‌های مکاتب عمده در نظریه‌های علمی

نظریه‌ها	موضع معرفتی نوع عقلانیت	معیار علم	تاریخ علم	معیار پیشرو بودن علم
اثبات‌گرایی	معقول‌گرا	آنی	تحویل‌پذیری و تحقیق‌پذیری	با توجه به عقلانیت آنی و بی‌اهمیت بی‌توجهی به تاریخ علم معیاری برای پیشرفت علم وجود ندارد.
ابطال‌گرایی پوپر	معقول‌گرا	آنی	تاب‌آوری فرضیه در مقابل ابطال	با توجه به عقلانیت آنی و بی‌اهمیت بی‌توجهی به تاریخ علم معیاری برای پیشرفت علم وجود ندارد.
کوهن	نسبی‌گرا	-	پارادایم	دقت، سادگی و گستردگی
لاکاتوش	معقول‌گرا	آنی (غیرآنی)	روش‌شناسی برنامه پژوهش علمی	میزان انسجام درونی و میزان پیش‌بینی‌های بدیع



## روش‌شناسی پژوهش

با توجه به نقدهای اساسی به رویکردهای اثبات‌گرایی و ابطال‌گرایی در موضوعاتی نظیر عقلانیت آنی و بی‌توجهی به تاریخ علم می‌توان نظریات کوهن و لاکاتوش را به عنوان دو نظریه رقیب برای بررسی ترکیب نظریه‌ها و تعیین معیارهای انسجام یا التقاط مورد بررسی قرار داد. در خصوص دیدمان کوهن، همان‌گونه که اشاره شد، معیارها تابع دیدمان هستند. پس ترکیب نظریه‌ها در قالب یک دیدمان امکان‌پذیر است و صرفاً نظریه‌ها را در چارچوب یک دیدمان می‌توان مقایسه و ارزیابی کرد. این در حالی است که مواضع شدید انتقادی دو جریان مبدأ اقتصاد نهادگرایی جدید نسبت به هم حاکی از حاکمیت دیدمان‌های متفاوت است. به نحوی که جریان نئوکلاسیکی همهٔ مختصات دیدمان اثبات‌گرایانه را دارد، در صورتی که نحله قدیم نهادی تحت تسلط دیدمان انتقادی و نهادگرایی جدید متأثر از دیدمان پیچیدگی است (Heidari et al., 2021). بنابراین، بررسی سازگاری یا التقاط نظری نهادگرایی جدید از دیدگاه کوهن امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، همان‌گونه که از نظر گذشت، یکی از دو معیار اصلی لاکاتوش برای مقایسه میان‌برنامه‌های پژوهشی، معیار درجهٔ انسجام درونی نظریه است. به این دو دلیل، یعنی عدم پیگیری در دیدمان کوهن و مصرح بودن معیار انسجام در برنامه پژوهشی لاکاتوش، بررسی انسجام نظری اقتصاد نهادگرایی جدید بر مبنای روش لاکاتوش پیگیری می‌گردد. در این راستا، این سه جریان اقتصادی در قالب سه برنامه پژوهشی مقایسه می‌شوند و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. تلینگز (۲۰۰۱)، بر اساس معیارهای برنامه پژوهشی لاکاتوش مراحل را برای بررسی انسجام یا التقاط نظریه‌های ترکیبی مطابق شکل (۴) تعریف نموده است.



شکل ۴: الگوی پیشنهادی تلینگز (۲۰۰۱) برای بررسی انسجام نظریه ترکیبی

همان‌گونه که شکل (۴) نشان می‌دهد، الگوی پیشنهادی تلینگز (۲۰۰۱) برای ارزیابی انسجام نظریه‌های ترکیبی چهار گام اصلی را در بر می‌گیرد که در ادامه به شرح کوتاه هر یک از مراحل پرداخته می‌شود. در نخستین گام، احساس نیازی که ترکیب‌کنندگان را به آمیختن نظریه‌ها ترغیب نموده است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این‌جا پرسش این است که از ترکیب چه انتظاری

می‌رود؟ نظریه ترکیبی باید از پس چه کاری برآید؟ دومین گام به بررسی «وجود فرازبان یا زبان مشترکی» میان نظریه‌هایی که قرار است با هم ترکیب شوند، می‌پردازد. فرازبان، نقش مهمی در انسجام میان نظریه‌ها دارد، در غیر این صورت، اجزای نظریه‌ها تنها در کنار هم قرار خواهند گرفت، بدون آن که همجوشی بیابند. در گام سوم، باید نوع ترکیب میان نظریه‌های مبدأ تعیین گردد. ترکیب می‌تواند از نوع تحویل، سنتز، ترکیب افقی یا عمودی باشد. در ترکیب تحویلی، یک نظریه به عنوان اصطلاحات یا بخشی از نظریه دیگر مورد بازنگری و تعریف مجدد قرار می‌گیرد. در واقع، همه این نظریه‌ها دارای یک هسته واحد هستند. در ترکیب از نوع سنتز، ترکیب نظریه‌ها به تولید نظریه جدیدی منجر می‌شود که نسبت به نظریه‌های مبدأ عناصر جدیدی به هسته سخت اضافه شده است. در ترکیب نظریه‌ها به صورت افقی، هر یک از نظریه‌ها به بررسی بُعد یا جنبه‌ای از موضوع می‌پردازند و وقتی با هم ترکیب می‌شوند بخش‌های مهم و مکملی را برای فهم ما از پدیده مورد نظر ارائه می‌کنند. ترکیب، طولی یا عمودی به دو معنا بکار رفته است. در معنای اول، مراد از ترکیب عمودی ترکیب میان نظریه‌هایی است که هر یک به مرحله‌ای از موضوع توجه نموده است. در معنای دوم، ترکیب میان نظریه‌های مربوط به رشته‌های مختلف علوم انسانی مورد نظر است که هر یک در سطح معینی به بررسی امور انسانی می‌پردازد. در گام آخر، یعنی بازبینی و باهم‌نگری مجموع ارزیابی، ناسازگاری‌ها و تعارض‌های نظریه ترکیبی مورد بررسی قرار خواهد گرفت (Tellings, 2001).

بر مبنای برنامه پژوهشی لاکاتوش و الگوی تلینگز، در راستای دستیابی به هدف پژوهش، چهار گام تشریح‌شده به این شرح سازمان داده می‌شود: در اولین گام، برای تعیین هدف ترکیب ضروری است تاریخچه و مواجهه انتقادی نظریه‌های مبدأ و مفاهیم مرتبط تشریح گردد تا ضرورت، شرایط و هدف ظهور نهادگرایی جدید مشخص گردد. برای بررسی فرازبان در دومین گام ضروری است ابتدا فروض هسته سخت در هر سه برنامه بررسی گردد تا مشخص شود آیا نحله جدید توانسته است زبان مشترکی از نظریه‌های مبدأ به وجود آورد یا خیر؟ در گام سوم، با بررسی فروض هسته سخت در اقتصاد نهادگرایی جدید و مقایسه آن با جریان‌های مبدأ نوع ترکیب مشخص می‌گردد. گام آخر با استفاده از انتقادهای واردشده بر نحله ترکیبی، بازبینی و ارزیابی صورت می‌گیرد تا مشخص گردد آیا ناسازگاری‌ها هسته سخت را مورد حمله قرار داده است، که در این صورت شبهه التقاط را ایجاد می‌کند، یا این که انتقادهای مرتبط با کمربندی محافظتی است، که در این مورد می‌توان امیدوار بود برنامه پژوهشی به واسطه اصلاح و رفع تناقضات در کمربند محافظتی خود موجب شود این برنامه به لحاظ نظری به برنامه‌ای پیشرو مبدل گردد.

## گام اول: هدف ترکیب در اقتصاد نهادگرایی جدید

در اولین گام برای تعیین هدف و ضرورت اقتصاد نهادگرایی جدید به عنوان یک ترکیب نظری ضروری است که نظریه‌های مبدأ آن، یعنی اقتصاد نئوکلاسیک و اقتصاد نهادگرایی قدیم، تشریح و علل نیاز به ترکیب مشخص گردد. شایان اشاره است که یکی از طبقه‌بندی‌های اصلی در اقتصاد، تقسیم آن به خرد و کلان است. اقتصاد خرد به بررسی رفتار واحدهای اقتصادی انفرادی می‌پردازد، حال آن‌که اقتصاد کلان، رفتارها و تغییرات اقتصادی در سطح کلی را مورد بررسی قرار می‌دهد (منکیو، ۱۳۹۹).

جریان اصلی<sup>۱</sup> اقتصاد، عموماً به اقتصاد نئوکلاسیک نسبت داده شده است. نئوکلاسیک‌ها بر کاربرد ریاضیات برای کشف حقایق تأکید دارند (Lawson, 2006). بررسی بنیان‌های خرد در اقتصاد نئوکلاسیک حاکی از آن است که آن‌ها عمدتاً بر تصمیم‌گیری‌های فردی و اقتصاد خرد متمرکز هستند. مسئله اصلی در اقتصاد نئوکلاسیک محدودیت منابع است. این جریان انسان را موجودی لذت‌گرا با عقلانیت ابزاری می‌داند که با بهینه‌سازی (تخصیص منابع) و به صورت تک‌بعدی، حسابگرانه و بدون دخالت عناصر ارزشی و اخلاقی، در جهانی که در سیطره ابزارهای ریاضی است، به رتبه‌بندی کامل کالاها و بهینه‌سازی مطلوبیت می‌پردازد. انسان اقتصادی نقطه بهینه را از برابری میان قیمت‌ها و مطلوبیت نهایی<sup>۲</sup> شناسایی می‌کند. مکتب نهایی‌گرا به کمک این ابزار تحلیلی جدید (نهایی‌گرایی) و فنون ریاضیاتی تلاش می‌کند علم اقتصاد را به یک علم اجتماعی دقیق‌تر تبدیل کند. از حیث اقتصاد کلان، نئوکلاسیک‌ها معتقدند که هماهنگی منافع یا دست نامرئی از طریق سازوکار بازار در صورت افزایش آزادی‌های اقتصادی و دخالت حداقلی دولت در نظام اقتصادی موجب افزایش رفاه آحاد جامعه خواهد شد (Mashhadiahmad, 2015). آن‌ها با تکیه بر مدل‌های رسمی ریاضی برای تبیین علی روابط اقتصادی معتقدند که فرم‌گرایی<sup>۳</sup> قابل‌اعتمادتر از تحلیل‌های کلامی است. این اقتصاددانان عمدتاً در سنت پژوهش قیاسی<sup>۴</sup> کار می‌کنند (Rodrik, 2015) و روش‌شناسی آن‌ها مبتنی بر تحلیل‌های ایستا و فردگرایی روان‌شناختی<sup>۵</sup> است که در آن افراد غایت تبیین هستند و حالت‌های روان‌شناختی مثل ترجیحات و سلیق جزو عوامل تعیین‌کننده محسوب می‌شوند (Lawson, 2006). مکتب نئوکلاسیسم

1. Mainstream Economics
2. Marginalism Utility
3. Formalism
4. Deductive
5. Individualism

بر موضوع تعادل تمرکز دارد (Koppl et al., 2015). در چارچوب نئوکلاسیکی، نهادهایی مثل تضمین حقوق مالکیت و وجود بازارهای رقابتی، به طور ضمنی از پیش تامین شده در نظر گرفته شده‌اند (Acemoglu et al., 2005). همان‌گونه که مشاهده شد، اقتصاد جریان اصلی با توسل به عقلانیت ابزاری از توجه به نهادها<sup>۱</sup> غفلت ورزیده است. این موضوع موجب شد که تعدادی از اندیشمندان اقتصادی فروض نئوکلاسیسم را از حیث نهادی مورد نقد و واکاوی قرار دهند (نورث، ۱۳۸۵).

جریان انتقادی نهادگرایی قدیم در واکنش به نادیده گرفتن نقش نهادها در اقتصاد نئوکلاسیک ظهور یافته است (Rutherford, 1995). نظریه‌پردازان این نحله، تعاریف مختلفی از نهاد ارائه کرده‌اند. ویلن<sup>۲</sup> علم اقتصاد را نظریه فرایندها و آشکارسازی عادات می‌داند. او نهادها را شکل‌دهنده<sup>۳</sup> این فرایندها معرفی می‌کند که بر رفتار کارگزاران اقتصادی و بر عملکرد اقتصادی اثر می‌گذارند. وی نهادها را محصول عادت می‌داند (Veblen, 1909). کامونز<sup>۴</sup>، نهاد را به عنوان کنش جمعی در راستای کنترل، آزادسازی و بسط کنش فردی تعریف می‌کند که کنش‌های جمعی شامل سنن سازمان‌نیافته تا ملاحظات خصوصی و عمومی سازمان‌یافته می‌شود (Commons, 1931). بررسی مبانی خرد این جریان دگراندیش نهادی در خصوص چگونگی رفتار افراد و موضوع تعادل حاکی از آن است که نهادگرایان قدیم رویکرد «انسان عقلایی اقتصادی» را رها کرده‌اند و به بررسی رفتار اقتصادی در فضایی فرهنگی و نهادی روی آورده‌اند (Rutherford, 1994). اندیشمندان این گروه معتقدند محیط اجتماعی و نهادها بر مطلوبیت تاثیرگذار است (Ayres, 1962). این اندیشمندان اجتماعی عنوان می‌کنند که انعکاس مداوم تجارب بشری در فرایندهای توسعه به صورت پویا (دینامیک) است و بنابراین تاکید بر تعادل بی‌معناست (Parada, 2001). همچنین، آن‌ها معتقدند یکی دانستن عقلانیت و محاسبه خطای فاحشی است، زیرا موضوع یادگیری را به‌طور آشکار مورد غفلت قرار می‌دهد. آن‌ها با طرح این پرسش عنوان می‌کنند چگونه می‌توان در یک نقطه از زمان کارگزاران را عاقل نامید، در حالی که آن‌ها در فرایند یادگیری و کسب اطلاعات هستند؟ خود عمل یادگیری، یعنی این‌که افراد مالک همه اطلاعات نیستند، در نتیجه عقلانیت جهان‌شمول از دور خارج می‌شود (Hodgson, 1996). بر اساس این، آن‌ها مخالف تلاش برای یافتن نظریه‌های جهان‌شمول بودند (Clark & Bye, 1925). بررسی موضوعات کلان این جریان نشان می‌دهد که نهادگرایان قدیم معتقدند به‌جای دست نامرئی، تضاد منافع میان گروه‌ها برقرار است و این طبقات برای کنش‌های هماهنگ با توجه به اشتراک در منافع اقتصادی از

1. Institutions
2. Veblen
3. Commons

طریق نهادها دست به تقویت خود می‌زنند. پس وجود طبقات و اعمال قدرت از طریق نهادها صورت می‌گیرد و بدیل تخصیص منابع برای بازار، ساختار نهادی جامعه است (Commons, 1934). این نحله، برخلاف رویکرد فردگرایی از کل‌گرایی<sup>۱</sup> بهره می‌جست (Lawson & Pesaran, 1985). آن‌ها معتقدند دسترسی به دانش محدود است (Reuter, 1994) و برای درک بهتر حقایق، مشاهدات تجربی و استقرا<sup>۲</sup> را دنبال می‌کنند (Kerkmeester, 1999). بر اساس این، نهادگرایی اولیه جریانی انتقادی نسبت به اقتصاد نئوکلاسیک است که بر اساس تاکید بر عمل جمعی، بررسی‌های تکاملی و تاکید بر مشاهدات تجربی و استقرا به‌جای استدلال‌های قیاسی حیات ادامه یافت (Klein, 1999). در اردوگاه منتقدان به دگراندیش‌های نهادی، این عقیده وجود دارد که نهادگرایان قدیم در توسعه خود نسبی‌گرا و دارای معنای محوری مبهم هستند و مجموعه تفکرشان ترکیبی از توصیف و توجیه است. آن‌ها معتقدند غالب تحلیل‌ها در نهادگرایی قدیم چیزی جز خوب جلوه دادن ارجحیت‌های نویسنده نیست، چرا که نبود وضوح و کلیت مفاهیم کل‌گرا، اثبات قطعی فرضیات را غیرممکن می‌سازد. به دلیل کمبود «دقت» در نهادگرایی قدیم ضروری است نظارت مستمر با توسل به مشاهدات صورت گیرد. زمانی که کل‌گرایی از بنیان‌های تجربی جدا می‌شود، به‌سادگی به گمانه‌زنی غیرقابل کنترل و رهاشده تبدیل می‌شود. منتقدان جریان نهادی با نقد اولویت دادن موضوع بر روش عنوان می‌کنند کل‌گراها چارچوب مربوط به تبیین محتوای موضوعات را از پیش مشخص نمی‌کنند و روش هرچه باشد، بیش و پیش از هر چیزی باید علمی باشد (Wilber & Harrison, 1978). در ادامه انتقادات به جریان نهادی قدیم، بیش‌تر منتقدان جریان دگراندیش نهادی را ضدنظریه می‌دانند و اذعان می‌دارند خطر نهادگرایی که به نظریه توجه ندارند کم‌تر از نئوکلاسیک‌ها نیست، که به واقعیت‌های اقتصادی امعان نظر ندارند (Coase, 1998). منتقدان عنوان می‌کنند که نهادگرایان قدیم به دلیل عدم ارائه برنامه، بیش از حد مشغول مخالفت‌های روش‌شناختی هستند و نهادگرایی قدیم بیش‌تر یک جنبش رقیب است (Williamson, 1998). این جریان نهادی علی‌رغم گسترش تدریجی در دهه آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، به دلیل انتقادات فراوان جریان اصلی با آغاز دهه ۱۹۴۰ رو به افول نهاد (Chavance, 2009). مجموعه انتقادات با تصریح نقاط ضعف و قوت دو جریان رقیب، موجب گردید که زمینه برای ظهور نهادگرایی جدید به عنوان یک امتزاج نظری فراهم گردد. یکی از واقعیت‌هایی که نهادگرایان به آن معترف بودند، ساختار نهادی به مثابه قدرت است که

۱. کل‌گرایی (Holism) بیان می‌کند باید به‌جای بررسی و تحلیل جداگانه اجزای پدیده‌ها به بررسی و تحلیل

کلیت پدیده‌ها پرداخت.

این قدرت مجدداً حامی پرونده ساختار نهادی مبدأ قدرت و عملکرد آتی است. پس در تفکر نهادی، تاریخ مهم است. اهمیت تاریخ صرفاً به دلیل یادگیری از گذشته نیست، بلکه به واسطهٔ تداوم نهادهایی است که گذشته و آینده را به هم مرتبط می‌سازد. بر اساس این، غالب تصمیمات امروز در چارچوب نهادی دیروز شکل می‌گیرند که از این موضوع در اقتصاد نهادگرایی جدید تحت عنوان وابستگی به مسیر<sup>۱</sup> یاد می‌شود (North, 1992).

بر اساس این، میراث‌های نهادی پیشین چه خوب چه بد به یکباره متحول نمی‌شوند، زیرا بر مبنای پایداری نهادی ساختارها و سازمان‌هایی شکل گرفته که منافع و حیاتشان در گرو تداوم آن نهادهاست. مبتنی بر همین اصل می‌توان تداوم ساختارهای رانتیر و لابی‌گرانه را توضیح داد. پس اگر ساختاری از قبل رانتیر است، وابستگی به مسیر موجب تداوم رانتیریسیم می‌گردد و حمایت‌های حامیان و کنشگران برخاسته از این بستر نهادی اجازهٔ تغییر نهادی آشکار را نخواهند داد، چرا که در صورت تغییر نهادها، منافع و قدرتشان را از دست خواهند داد. این مسئله در حوزه علم به‌طور عام و علم اقتصاد به‌طور خاص نیز برقرار است و همان‌گونه که اشاره شد، مضاف بر افول نهادگرایان قدیم، در زمان شروع به کار نهادگرایی جدید، اکثریت اندیشمندان و پژوهشگران اقتصادی پیرو و مدافع اقتصاد نئوکلاسیکی بودند.

اندیشمندان جدید نهادی با پذیرش اهمیت نهادها در حفظ وضع موجود تلاش نمودند تا به‌جای این‌که نیروی خود را صرف تقابل با جریان اصلی نمایند، از این بستر برای پیشبرد اهداف خود بهره‌جویند. هدف اندیشمندان نهادی پیشبرد اقتصاد در قالب نهادگرایی و نفوذ این تفکر میان اقتصاددانان است. آن‌ها در این راستا نظریه نئوکلاسیک را ابزاری قدرتمند برای معرفی و تقویت نهادی تعریف نمودند که صرفاً نیازمند تعدیل فروض است. در این بیان می‌توان نهادگرایی جدید را اقتصاد نئوکلاسیکی گسترش‌یافته‌ای دانست که اکنون توانایی توضیح پدیده‌های سیاسی و تطور نهادها را دارد (Richter, 2005). به نظر می‌رسد بهره‌گیری از نظریه نئوکلاسیک به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف نهادی ناشی از خواست هوشمندانه اندیشمندان جدید نهادی است. با کنکاش در نظرات آن‌ها می‌توان به شواهدی بر این مدعا دست یافت. در این راستا، ویلیامسون اشاره می‌کند که نهادگرایان جدید مانند نهادگرایان قدیم، کار خود را با نقد نظریه اقتصادی موجود، به دلیل سطح بسیار بالای انتزاع آغاز کردند. در حالی که نهادگرایان قدیم به‌وضوح فروض انتزاعی جریان اصلی اقتصاد را رد می‌کردند، نهادگرایان جدید سعی در تعدیل این فروض داشتند (Williamson, 1975).

در هر حال، نهادگرایان همواره فاصله خود را از اقتصاد نهادگرایی قدیم حفظ کرده‌اند. علی‌رغم این تفاوت، هر دو جریان تمایل به گسترش موضوع در ورای مرزهای استاندارد نئوکلاسیکی دارند (Rutherford, 2001). در این راستا کوز، از اندیشمندان برجسته نهادگرایی جدید، هشدار می‌دهد که حمله صریح و مستقیم به نئوکلاسیک‌گرایی نه مطلوب است نه مورد نیاز. در دومین اجلاس سالیانه انجمن بین‌المللی اقتصاد نهادی جدید که در سپتامبر ۱۹۹۸ در پاریس برگزار شد، کوز و نورث دوباره تاکید کردند که نمایندگان اقتصاد نهادی جدید قصد معرفی جانشینی برای نظریه نئوکلاسیک ندارند (Richter, 2005). بر اساس این، می‌توان نتیجه گرفت که نهادگرایان جدید به تاثیر نهادها در اقتصاد اذعان داشتند. آن‌ها معتقدند ساختار نهادی موجود از حمایت سازمان‌ها و گروه‌های قدرتمند حامی برخوردار است و آشکارا اجازه تغییر نهادی را نخواهد داد. جستجو و بررسی نظرات ضمنی نهادگرایان جدید نشان می‌دهد که آن‌ها برای عدم تقابل آشکار با نهادها و جریان قدرتمند علمی آن زمان، هدف خود را تعدیل فروش و گسترش اقتصاد نئوکلاسیکی اعلام کردند، اما در واقع هدف اصلی آن‌ها گسترش و تقویت تفکر نهادی در بستر نئوکلاسیکی بود. در راستای تحقق این هدف، قابل‌پیش‌بینی است که مواضع شدید انتقادی و فروش متفاوت حاکم در دو جریان مبدأ موجب بروز مقداری ناسازگاری در ترکیب نظری اقتصاد نهادگرایی جدید گردد. بر پایه این، آنچه مهم است این است که آیا تعریف کردن چنین هدفی موجب التقاط در هسته سخت گردیده است یا آن‌ها با بکارگیری ابداعات بدیع نظری در هسته سخت ناسازگاری را کاهش و معطوف به کمربندی محافظتی نموده‌اند؟ این موضوعی است که در ادامه با توجه به تصریح هدف پیگیری می‌گردد.

### گام دوم: توانایی اقتصاد نهادگرایی جدید در ایجاد فرازبان

برای بررسی فرازبان در اقتصاد نهادگرایی جدید ضروری است ابتدا فروش هسته سخت و کمربند محافظتی هر سه برنامه بررسی گردد تا مشخص شود آیا نخله جدید توانسته است زبان مشترکی از نظریه‌های مبدأ به وجود آورد یا خیر؟ در این جهت فروش هسته سخت در برنامه‌های پژوهشی مبدأ یعنی اقتصاد نئوکلاسیک و اقتصاد نهادگرایی قدیم از گام اول به دست‌آمدنی است. بنابراین، در ادامه ضروری است تعاریف، مفاهیم، فروش و کارکردهای نهادها در نخله جدید تشریح گردد. در پایان این گام فروش هسته سخت هر سه برنامه پژوهشی تلخیص و ارائه می‌گردد.

نخستین بار اصطلاح نهادگرایی جدید توسط ویلیامسون در سال ۱۹۷۵ مورد استفاده قرار گرفت (Williamson, 1975). اما در واقع این مکتب پیش‌تر در سال ۱۹۳۷ با مقاله کوز با عنوان «ماهیت

بنگاه» معرفی شده بود (Coase, 1937). انتشار کتاب «نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی» در آغاز این دهه توسط نورث، اعطای جایزه نوبل در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ به کوز و نورث و چندین مطالعه بین‌کشوری از جمله مطالعات **ناک و کفر**<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) سبب توجه به این مکتب گردید (Ménard Shirley, 2014). در تعریف نهاد، نورث عنوان می‌کند که نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند، یا به عبارتی دقیق‌تر، قیودی وضع شده از جانب نوع بشر هستند که روابط متقابل انسان‌ها را با یکدیگر شکل می‌دهند (نورث، ۱۳۸۵). کوز نهادها را به منزلهٔ بدنه علم اقتصاد می‌داند و معتقد است مطالعه علم اقتصاد هم بدون در نظر گرفتن نهادها قابل تصور نیست. وی عنوان می‌کند نهاد در قالب سازمانی همچون بنگاه مطرح است، به‌نحوی که کارآفرین با هدایت منابع موجب ایجاد نظامی از روابط تحت عنوان بنگاه می‌گردد (Coase, 1937). ویلیامسون، مطابق شکل (۵)، با ارائه چهار سطح تحلیل اجتماعی معتقد است نهادهای سطح یک یا ارزش‌های اجتماعی مانند هنجارها، فرهنگ‌ها، آداب و سنن، دارای پایداری اجتماعی هستند. سطح بعدی، محیط نهادی مانند قیود و قوانین رسمی است. نهادهای سطح سوم یا حکمرانی، وظیفه سازگاری ساختارهای اعمال مدیریت با مبادلات را بر عهده دارند. سطح چهارم یا سطح تخصیص منابع به مباحث نئوکلاسیکی مانند تابع تولید بنگاه و تعدیل قیمت اختصاص دارد (Williamson, 2000).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



سطوح	سطوح نهادی	توالی دوره‌ها	هدف
اول	ارزش‌های محصور شده سنتی: نهادهای غیررسمی، رسم‌ها، سنت‌ها، هنجارها، مذهب	از صد تا هزار سال	اغلب غیرمحاسباتی و اتفاقی خود به خودی
دوم	محیط نهادی: قواعد رسمی بازی، به‌ویژه حقوق مالکیت	از ده تا صد سال	شفاف‌سازی و تحقق محیط نهادی به عنوان مرحله اول اقتصادی کردن
سوم	اعمال مدیریت و تدبیر امور، انجام بازی به‌ویژه قراردادهای (سازگاری ساختارهای اعمال مدیریت با مبادلات)	از یک تا ده سال	شفاف‌سازی و تحقق ساختار اعمال مدیریت: مرتبه دوم اقتصادی کردن
چهارم	تخصیص منابع و اشتغال: (قیمت‌ها و مقادیر، آرایش سازگارسازی انگیزش‌ها)	در جریان	شفاف‌سازی و تحقق شرایط نهایی: مرتبه سوم از اقتصادی کردن

شکل ۵: چهار سطح تحلیل اجتماعی ویلیامسون (Williamson, 1975: 597)

مهم‌ترین وجه افتراق نهادگرایی قدیم و جدید در نحوه تعامل آن‌ها با نهادهاست. نهادگرایان قدیم معتقدند وابستگی دوسویه‌ای میان نهادها و افراد وجود دارد. در حالی که نحله جدید علیت را از فرد به نهاد می‌داند (هاجسون، ۱۳۸۶). این بیان نشان می‌دهد که کنش‌های افراد منطقی، نقطه شروع تحلیل در مورد تبیین نهادها به عنوان پدیده‌های اجتماعی است. بر پایه این است که نهادگرایان با تاکید فراوان بر بنیان‌های خرد عنوان می‌کنند ساختن نظریه نهادها بر مبنای انتخاب فردی گامی است به سوی از میان برداشتن تفاوت‌های موجود میان اقتصاد و سایر علوم اجتماعی. رهیافت مبنی بر نظریه انتخاب، رهیافتی ضروری است زیرا هر مجموعه‌ی منطقاً سازگار و بالقوه آزمون‌پذیر باید بر اساس نظریه‌ای درباره رفتار انسانی بنا نهاده شود. نقطه قوت نظریه اقتصاد خرد آن است که این نظریه بر اساس فرضی در مورد رفتار انسانی ساخته شده است (نورث، ۱۳۸۵). از دیگر تفاوت بنیادین این دو مکتب نهادی در چگونگی توسعه و عملکرد نهادها نهفته شده است. نهادگرایان قدیم معتقدند بکارگیری نهادها غریزی است (Veblen, 1899). اما نهادگرایان جدید از زاویه مناسبات منطقی و صرفه‌جویانه به نهادها می‌نگرند (Rutherford, 1995). بررسی اصول و مبانی خرد در چگونگی رفتار

افراد نشان می‌دهد که این موضوع مستلزم انجام رفتارهای منطقی و پذیرش کمیابی و رقابت است، اما برخلاف نئوکلاسیک‌ها که بر اطلاعات کامل و عقلانیت ابزاری تاکید دارند، نهادگرایان جدید به اطلاعات ناقص و ظرفیت ذهنی محدود برای پردازش ادعان دارند که از این موضوع تحت عنوان عقلانیت محدود<sup>۱</sup> یاد می‌شود. در چنین شرایطی، انسان اقتصادی با عقلانیت محدود برای کاهش نااطمینانی اقدام به انتخاب در چارچوب نهادی می‌نماید، زیرا نهادها ساختارهایی هستند که قواعد تعامل را شکل می‌دهند تا زمینه را برای بیش‌ترین عملکرد منطقی فراهم آورند. بهره‌گیری از نهادها به عنوان قواعد بازی ناشی از پایداری نهادی است، زیرا حمایت‌های ایدئولوژی‌های حامی و کنشگران برخاسته از بستر نهادی موجود موجب می‌شود که نهادها به حیات خود ادامه دهند که از این تداوم، همان‌گونه که اشاره شد، تحت عنوان وابستگی به مسیر یاد می‌شود. بر اساس این، غالب تصمیمات امروز در چارچوب نهادی دیروز شکل می‌گیرند (North, 1992). بر اساس مطالب مطرح‌شده، نهادها به عنوان پدیده‌های اجتماعی توسط بشر خلق می‌شوند تا منافع افرادی را تامین کنند که (کم و بیش) به صورت عقلانی عمل می‌کنند. نهادگرایان جدید ادعان دارند که این نحله نظریه‌ای درباره رفتار انسانی بر پایه بنیان‌های اقتصاد خرد است. طرح چنین موضوعاتی بیانی از فردگرایی روش‌شناختی<sup>۲</sup> است، بدین مفهوم که پدیده‌های اجتماعی در نهایت تاثیر خود را بر تصمیم‌ها و کنش‌های افراد می‌گذارند. بنابراین، کنش‌ها هم تحت تاثیر رجحان‌های افراد و هم تحت تاثیر پدیده‌های اجتماعی همانند نهادهای مختلف هستند. به عبارتی، تبیین نیازمند افراد و روابط میان آن‌هاست. فردگرایی روش‌شناختی شکل ضعیف‌تر فردگرایی روان‌شناختی است (Lawson & Pesaran, 1985). رادرفورد در برشمردن تفاوت‌های اقتصاد نهادی قدیم و جدید عنوان می‌کند که نحله قدیم بر اساس کل‌گرایی روش‌شناختی اهداف خود را پیگیری می‌کند، در حالی که نهادگرایی جدید مبتنی بر فردگرایی روش‌شناختی است (Rutherford, 1996). اندیشمندان این نحله بر نظریه هزینه‌های مبادله و نظریه بازی‌ها برای تعامل افراد در یک محیط نهادی ثابت یا مقایسه‌ای ایستا (نه تکاملی) متمرکز شده‌اند (Arnsperger & Varoufakis, 2006). همچنین در نگرش کوز، روش قیاسی صرف در اقتصاد به روش تخته‌سیاه معروف است، با این توضیح که مدل‌های روی تخته‌سیاه محکوم به اثبات و انطباق با واقعیت است (Klein, 1999). پس نحله جدید از ترکیبی از رویکردهای قیاس و استقرا بهره می‌گیرد (Medema et al., 1999).

برای بسط بیش‌تر ویژگی‌های انسان در نهادگرایی جدید، ادامه موضوع با نظر دو اندیشمند مطرح این جریان یعنی نورث و ویلیامسون پیگیری می‌گردد. نورث ادعان دارد که درک ذهن انسان برای

روشن شدن فرایند تصمیم‌گیری، که نهادها را شکل می‌دهد، مهم است. بر پایه این، وی توضیح می‌دهد که افراد بر اساس مدل‌های ذهنی متفاوتی تصمیم می‌گیرند. مطابق نظر او، نهادها خارج از ذهن انسان و مدل‌های ذهنی (اعتقادات، ایدئولوژی‌ها، دانش) درون ذهن انسان هستند. نورث معتقد است که قواعد رسمی در دنیای بدون ایدئولوژی (هنجارهای اخلاقی و ارزشی) نئوکلاسیکی نمی‌توانند مانع از سواری مجانی شوند، اما ایدئولوژی با افزایش سرمایه اجتماعی موجب کاهش هزینه مبادله ناشی از سواری مجانی می‌گردد. او بر اهمیت باورها و نحوه تعامل آن‌ها با واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند (North, 2005). برخلاف مقوله ایدئولوژی نورث، ویلیامسون عنوان می‌کند که اگر فرض بر عقلانیت کامل باشد، هیچ قرارداد ناقصی منعقد نمی‌شود، اما از آن‌جا که عقلانیت محدود است، پس قراردادهای همواره ناقص‌اند. ناقص بودن قراردادهای موجب می‌شود که افراد در صورت امکان، منافع خود را با فریبکاری دنبال کنند. ویلیامسون از این موضوع تحت عنوان فرصت‌طلبی<sup>۱</sup> نام می‌برد. بر اساس این، ویلیامسون عنوان می‌کند که در هر لحظه از زمان، به دلیل احتمال فرصت‌طلبی افراد و قراردادهای ناقص، باید در طراحی هر بنگاه سازوکاری برای سازماندهی امور انتخاب شود که برای سازمان کم‌ترین هزینه مبادله را ایجاد کند (Williamson, 1998).

لازم به توضیح است که اقتصاد نهادی جدید دارای دو جریان عمده است. یکی بر بحث قراردادهای حقوق مالکیت و مباحث بنگاه متمرکز است که توسط کوز و ویلیامسون هدایت می‌شود، و دیگری بر بحث موضوعات مرتبط با ساختارهای کلان به رهبری نورث تأکید می‌کند (Ménard & Shirley, 2014). از آن‌جا که نهادها چارچوب‌های تعاملی را برای کل جامعه فراهم می‌آورند، پس تغییر قواعد تعاملی جامعه، یعنی تغییر نهادی، در زمره مقولات کلان نهادگرایی جدید است. در این راستا، نهادگرایان جدید در تعریف «تغییر نهادی»، آن را سازگاری مرزی با مجموعه‌ای مرکب از قوانین، هنجارها و اجرا معرفی می‌کنند. آن‌ها تصریح می‌کنند که تغییر نهادی هم‌زمان به صورت گسسته و پیوسته اتفاق می‌افتد. تغییرات نهادی گسسته، مانند انقلاب و اشغال کشورها، موجب تزلزل جدی نسبت به رویه‌های قبلی می‌شود و فرصت محدودی برای اصلاحات گسترده پیش می‌آورد. اما برخلاف چنین فرصتی، ناسازگاری قواعد جدید با هنجارهای موجود اجازه جهش نهادی را نخواهد داد و تغییر نهادی تدریجی و اندک خواهد بود. در تغییر نهادی پیوسته، تغییرات در رجحان‌ها و قیمت‌های نسبی حاصل از تغییرات مداوم برون‌زا (نظیر تغییرات در کل جمعیت، دانش) است که کارآفرینان سیاسی و اقتصادی را سوق می‌دهد تا دریابند که می‌توانند با ترتیبات نهادی دیگر، وضع بهتری در فعالیت‌های رانتهی یا تولیدی خود داشته

باشند. تغییر مرزهای نهادی تا زمانی که تعادل نهادی برقرار شود، ادامه می‌یابد. در تعادل، طرفین تجدید ساختار توافق‌ها را مقرون‌به‌صرفه نمی‌دانند (نورث، ۱۳۸۵).

از دیگر موضوعات کلان انتقاد نورث، نادیده گرفته شدن هزینه‌های مبادله از سوی اقتصاد نئوکلاسیک است. او با اشاره به حجم بالا و روزافزون معاملات در درآمد ملی، بر لزوم بازنویسی رابطه سنتی تولید تاکید دارد (Furubotn & Richter, 1991). نورث عنوان می‌کند که «اگر به عقل سلیم مراجعه کنیم به‌سادگی درمی‌یابیم که چه تلاش‌ها و منابع قابل‌توجهی را به امر اندازه‌گیری، اجرا و نظارت بر قراردادهای اختصاص داده‌ایم. تعهدنامه‌ها، ضمانت‌نامه‌ها، علائم تجاری، منابع تخصیص‌یافته به دسته‌بندی و درجه‌بندی، مطالعات زمان‌سنجی و حرکت‌سنجی، تعهدات کارگزاران، داوری واسطه‌گری و البته کل نظام فرایند دادرسی همگی منعکس‌کننده حضور فراگیر اندازه‌گیری و اعمال هستند» (نورث، ۱۳۸۵: ۶۰). نورث علت فقیر ماندن کشورهای جهان سوم را عدم تشویق فعالیت‌های مولد به واسطه محدودیت‌های نهادی می‌داند. وی اذعان دارد که سرانه هزینه مبادله در این کشورها نسبت به کشورهای پیشرفته بسیار بیش‌تر است. نورث علل و عوامل بنیادی رشد اقتصادی را نهادهایی می‌داند که به کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش بهره‌وری از طریق تخصصی کردن فعالیت‌ها و فرایند مبادله منجر می‌شوند (North, 1990).

بررسی اصول و مبانی این نحله حاکی از آن است که نهادها کارکردهای ویژه و متنوعی را به عهده دارند. برای نیل به اهداف پژوهش و شناخت بیش‌تر مکتب جدید نهادی، ضروری است مهم‌ترین کارکردهای ماتریس نهادی بیش از پیش تدقیق و تصریح گردد.

**تعیین دایره انتخاب و کنش:** همان‌گونه که اشاره شد، نهادها قیودی هستند که دایره انتخاب افراد و جوامع را در طول زمان تعیین می‌کنند و تاثیر فراوانی بر تصمیم‌گیری کنشگران اقتصادی می‌گذارند. بنابراین، نهادها چارچوب انتخاب‌های افراد را تعیین می‌کنند و این چارچوب نهادی است که با تاثیر بر انتخابها جهت حرکت افراد و جوامع را شکل می‌دهند و ساختار آن را تعیین می‌نمایند (North, 1990). به عبارت دیگر، می‌توان گفت که نهادهای خوب با تخصیص صحیح، امکان انباشت عوامل و تسهیل نوآوری را فراهم می‌آورند، اما نهادهای غیرمولد و رانتهی باعث انحراف در تولید و کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی می‌شود (Acemoglu et al., 2003; North, 1990).

**ایجاد نظم:** برخی به استناد دست نامرئی، وجود هارمونی در تمام کنش‌های اقتصادی را مطابق با قانون طبیعی امری خودجوش تلقی می‌کنند، اما نهادگرایان برخلاف این دیدگاه معتقدند که نهادها نظم را به‌وجود می‌آورند (Boland, 1979). نیاز به اشاره است که ماهیت حصول نظم، برای ردیابی

توسعه ضروری است. بر اساس این، دو نوع نظم مورد تاکید است: اولین نوع نظم بر اساس دسترسی محدود به قدرت و ائتلاف طبقه حاکم برای تقسیم رانت میان اعضاست. این شیوه اداره جامعه هرچند خشونت را از بین می‌برد و موجب ایجاد نظم در جامعه می‌گردد، اما مضراتی نیز به همراه دارد که مهم‌ترین آن‌ها مختل شدن رشد بلندمدت است، زیرا تعریف قوانین به گونه‌ای است که حقوق مالکیت و رانت‌های طبقه حاکم را افزایش می‌دهد. دومین نوع نظم مبتنی بر رقابت و بر اساس دسترسی آزاد به قدرت است. در این نوع نظم، شکست در حل مشکلات باعث از دست رفتن قدرت سیاسی حکام می‌شود، زیرا مخالفان سیاسی انگیزه قوی و بستر مناسب برای ابداع راه‌حل‌های خلاق دارند. در نظم مبتنی بر رقابت، دولت به دنبال حفظ خود از طریق نهادهای کاراست. پیگیری این رویکرد، جامعه را در مسیر رشد و توسعه قرار می‌دهد (North et al., 2009).

**هماهنگ‌سازی دانش معامله‌گران:** در اقتصاد متعارف قیمت‌ها نقش هماهنگ کردن دانش افراد در بازار را بر عهده دارند. اما برخلاف این دیدگاه، اندیشمندان نهادی معتقدند چون نهادها به عنوان قواعد بازی از پذیرش همگانی برخوردارند، در حقیقت نهادها وظیفه هماهنگ‌سازی دانش و قواعد مشترک را بر عهده دارند (Mantzavinos et al., 2004). از این رو، نهادهای غالب همانند چگونگی تعیین حقوق مالکیت، دانش مشترک شرکت‌کنندگان در بازار است. این حقوق، برای توسعه بازارها و کاهش احتمال بروز اختلاف بین روابط انسان‌ها و کمک به اجرای قراردادها، بسیار حائز اهمیت است.

**کاهش بی‌ثباتی:** به دنبال پیشرفت‌های صنعتی، رابطه انسان با کالا به رابطه انسان با انسان تبدیل شد که پیامد آن افزایش شدید وابستگی‌های انسانی و افزایش ناطمینانی بود. نهادگرایان جدید معتقدند انسان‌ها نهادها را برای کاهش ناطمینانی ایجاد کردند. نهادها با ایجاد ساختارهای باثبات، امکان تصمیم‌گیری برای مبادله، تخصصی شدن، سرمایه‌گذاری، ریسک‌پذیری، تسهیل و نوآوری را فراهم می‌آورند (North, 1990). برای مثال، از نظر سرمایه‌گذاران نهادهایی چون امنیت دارایی بسیار مهم‌تر از تغییرات نرخ سود است.

**توزیع درآمد:** نهادها نه تنها بر عملکرد اقتصادی، بلکه بر نحوه توزیع درآمد نیز اثر می‌گذارند (Acemoglu & Robinson, 2006). نهادهای یک جامعه از قبیل چگونگی حکمرانی، محیط نهادی، و قواعد مالکیت تعیین می‌کنند که منافع و درآمدها از چه طریقی حاصل و چگونه توزیع گردند و این قواعد نهادی است که تعیین می‌کنند توزیع درآمد بر اساس بهره‌وری یا بهره‌کشی صورت گیرد.

**تعیین هزینه‌های مبادله:** همان‌گونه که بیان شد، در دنیای نئوکلاسیکی با عقلانیت ابزاری و اطلاعات کامل، مبادلات بدون هزینه انجام می‌شوند، اما به علت اطلاعات ناقص و عقلانیت محدود

در دنیای واقعی، مبادلات هزینه‌بر هستند. در دنیای کنونی، برخلاف اعصار گذشته، مبادلات کم‌تر شخصی (نورث، ۱۳۸۵) و بیش‌تر مبتنی بر قراردادهایی است که همواره امکان نقض آن‌ها وجود دارد (Williamson, 1985). از نظر نورث هزینه‌های تعیین، تصریح و تضمین اجرای قراردادها که شامل تمام هزینه‌های سازمان سیاسی و اقتصادی است که برای برخورداری از منافع مبادله باید پرداخت گردد، هزینه‌های مبادله را تشکیل می‌دهند (North, 1984). ارو' (۱۹۶۹)، هزینه‌های مبادله را هزینه‌های اداره کردن سیستم اقتصادی توصیف می‌کند. ویلیامسون (۱۹۸۵)، آن را معادل اصطکاک در سیستم‌های فیزیکی قلمداد می‌کند. نهادهای غیرکارا مانند رشوه، انواع ناامنی‌ها برای مالکیت، حاکمیت غیرقابل اعتماد، و پایند نبودن به قراردادها نقش جدی در افزایش هزینه مبادله و به صرفه نبودن بخشی از مبادلات ایفا می‌کنند. پس سطح تولیدات کاهش می‌یابد و بنگاه‌ها در مقیاس کوچک عمل می‌نمایند. سقوط سطح مبادلات مانع از گسترش تجارت، تقسیم کار کافی، تخصص‌گرایی، و افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود و اقتصاد را در وضعیت معیشتی سنتی، زمینگیر می‌نماید (North, 1994). از این‌رو، دغدغه اصلی نهادگرایان جدید کمینه نمودن هزینه‌های مبادله است (Williamson, 1998).

**پیش‌بینی مسیر عملکرد بلندمدت:** همان‌گونه که اشاره شد، به علت وابستگی به مسیر تحولات نهادی بسیار کُند است، در نتیجه، نهادهای اجتماعی نیز به‌نسبت باثبات هستند. به همین دلیل، تصمیم‌ها و انتخاب‌های امروز و فردا غالباً در همان چارچوب نهادی انتخاب‌های دیروز شکل می‌گیرند (North, 1992). این پایداری نهادی و وابستگی به مسیر در ترکیب با انتخاب و رفتار منطقی، قابلیت پیش‌بینی آینده را میسر می‌سازد (Rutherford, 1995)، در حالی که نهادگرایان قدیم معتقدند گسترش تکاملی نهادها اجازه پیش‌بینی در آینده را نمی‌دهد (Veblen, 1899).

پس از بسط کارکردهای نهادها در نهادگرایی جدید ضروری است که هسته سخت هر سه برنامه پژوهشی تعیین گردد. همان‌گونه که اشاره شد، فروض بسیار کلی و مشترکی که مورد توافق همه اندیشمندان یک برنامه پژوهشی هستند، در هسته سخت قرار می‌گیرند. بر پایه مطالب بیان‌شده، اصول کلی در اقتصاد نئوکلاسیک نشان می‌دهد که افراد بر مبنای لذت‌گرایی با استفاده از عقلانیت و اطلاعات کامل به بهینه‌سازی می‌پردازند و نیازی به نهاد ندارند. اقتصاد نئوکلاسیکی در تحلیل‌های خود از فردگرایی روان‌شناختی و قیاس بهره می‌جوید، اما بر پایه فروض مشترک در اقتصاد نهادگرایی قدیم مبرهن است که در این جریان نهادی، مطلوبیت و انتخاب‌های افراد متأثر از نهادهاست و رابطه

میان افراد و نهادها دارای علیت انباشته است. مطابق آموزه‌ها و تحلیل‌های این برنامه، چارچوب نهادی ساختاری برای تحمیل و تداوم قدرت است. نهادگرایان قدیم ضمن تأکید بر محدودیت دانش از کل‌گرایی و استقرا استفاده می‌کنند. نهادگرایی جدید با بکارگیری بنیادهای خرد صریح و تعدیل فروض هر دو جریان سعی می‌کند زبان مشترکی را میان آن‌ها برقرار کند. آن‌ها با تعدیل فروض انسان اقتصادی با عقلانیت کامل و همچنین انسان کاملاً نهادی، افراد جامعه را انسان‌های اقتصادی با عقلانیت محدود تعریف می‌کنند که برای کاهش هزینه مبادله از چارچوب نهادی به عنوان قواعد تعاملی بهره می‌جویند. این نحله از طریق تاثیر نهادها بر هزینه مبادله، نهادها را به عملکرد اقتصادی نئوکلاسیکی وارد نموده است. نهادگرایی جدید با استفاده از فردگرایی روش‌شناختی همزمان هر دو فردگرایی نئوکلاسیکی و پدیده‌های اجتماعی نظیر نهادها را مورد توجه قرار می‌دهد. جریان اقتصاد نهادگرایی جدید، همچنین از رویکردهای قیاس و استقرا در تحلیل‌های خود بهره می‌جوید. در **جدول (۲)**، عناصر و فروض مشترک هر سه برنامه پژوهشی ارائه می‌گردد.

**جدول ۲: هسته سخت برنامه‌های پژوهشی اقتصاد نئوکلاسیکی، اقتصاد نهادگرایی قدیم، و اقتصاد نهادگرایی جدید**

مولفه‌های برنامه پژوهشی	اقتصاد نئوکلاسیک	اقتصاد نهادگرایی قدیم	اقتصاد نهادگرایی جدید
نگرش به انسان	انسان اقتصادی با عقلانیت کامل	انسان نهادی	انسان اقتصادی با عقلانیت محدود
نگرش به نهاد	دنیای بدون نهاد	چارچوب نهادی به عنوان ساختار سلطه	ساختار نهادی به عنوان قواعد تعاملی
روش‌شناسی	فردگرایی روانشناختی	کل‌گرایی روش‌شناختی	فردگرایی روش‌شناختی
واحد تحلیل	نهایی	نهاد	مبادله
نوع استدلال غالب	قیاس	استقرا	قیاس و استقرا
وضعیت اطلاعات و دانش	کامل	محدود	ناقص

با توجه به مقایسه فروض هسته سخت اقتصاد نهادگرایی جدید با جریان‌های مبدأ می‌توان گفت که نحله جدید توانسته با تعدیل و بکارگیری فروض مناسب، زبان مشترکی را میان هر دو جریان نئوکلاسیکی و نهادی قدیم به‌وجود آورد. پس می‌توان نتیجه گرفت که نهادگرایی جدید در برقراری فرازبان موفق بوده است. بر اساس این، مبرهن است که اقتصاد نهادگرایی جدید نه فقط به واسطه

ابداع هزینه مبادله بلکه به خاطر تعدیل فروض اساسی هر کدام از جریان‌های مبدأ و بکارگیری فروض واقعی‌تر مانند اطلاعات ناقص، انسان اقتصادی با عقلانیت محدود، حضور نهادها، در نظر گرفتن «مبادله» به عنوان واحد تحلیل، و فردگرایی روش‌شناختی توانسته است با ایجاد زبان مشترک تقابل بین دو جریان رقیب را در ترکیب نظری خود کمینه نماید.

### گام سوم: تعیین نوع ترکیب در اقتصاد نهادگرایی جدید

در گام سوم با بررسی فروض هسته سخت در اقتصاد نهادگرایی جدید و مقایسه آن با جریان‌های مبدأ نوع ترکیب مشخص می‌گردد. لازم به یادآوری است که در ترکیب از نوع تحویلی یا فروکاهش، یک نظریه به عنوان اصطلاحات یا بخشی از نظریه دیگر مورد بازنگری و تعریف مجدد قرار می‌گیرد. بنابراین، به یک نظریه هسته‌ای واحد می‌رسد. در ترکیب از نوع سنتز، نسبت به نظریه‌های مبدأ عناصر جدیدی به هسته سخت اضافه شده است. در ترکیب نظریه‌ها به صورت افقی هر یک به بررسی جنبه متفاوتی از موضوع پرداخته است. ترکیب، طولی یا عمودی به دو معنا بکار رفته است. در معنای اول، مراد از ترکیب عمودی، ترکیب میان نظریه‌هایی است که هر یک به مراحل از موضوع توجه نموده است. در معنای دوم، ترکیب میان نظریه‌های مربوط به رشته‌های مختلف علوم انسانی مورد نظر است که هر یک در سطح معینی به بررسی امور انسانی می‌پردازد.

همان‌گونه که در نتیجه‌گیری گام سوم مشخص است، هسته سخت نهادگرایی جدید کاملاً مشابه اقتصاد نئوکلاسیکی یا نهادگرایی قدیم نیست و نسبت به نظریه‌های مبدأ تعدیل گشته و مولفه‌های جدیدی به آن اضافه شده است. برای مثال در اقتصاد نئوکلاسیکی، انسان اقتصادی با عقلانیت کامل و بدون نهاد به بهینه‌سازی می‌پردازد. همچنین در اقتصاد نهادگرایی قدیم، انسان متأثر از نهادها به صورت غریزی به استفاده از نهادها می‌پردازد. در حالی که در نهادگرایی جدید، با واقعی‌تر کردن فروضی نظیر این که عقلانیت کامل نیست و انسان اقتصادی برای پوشش این محدودیت و کاهش هزینه مبادله به استفاده از چارچوب نهادی روی می‌آورد، نسبت به هر کدام از نظریات مبدأ عناصر جدیدی اضافه و تعدیل نموده است. برای تعیین افقی یا عمودی بودن ترکیب، همان‌گونه که تعریف ویلیامسون نشان می‌دهد، نهادهای سطح یک یا ارزش‌های اجتماعی مانند هنجارها، فرهنگ‌ها، آداب و سنن (= پایداری اجتماعی) را می‌توان معادل مدل‌های ذهنی نورث و عادات و بلن در اقتصاد نهادگرایی قدیم تعریف نمود. سطوح دوم و سوم یعنی محیط نهادی و حکمرانی مرتبط با قوانین رسمی و ساختارهای اعمال مدیریت می‌پردازد. این سطوح بر تعریف و اجرایی شدن نهادهای رسمی حقوقی



و حکمرانی متمرکز شده‌اند. سطح چهارم یا سطح تخصیص منابع به مباحث نئوکلاسیکی اختصاص دارد (Williamson, 2000). بر اساس این، هر یک از سطوح به نهادها و مراحل خاصی از تاثیرگذاری نهادی بر اقتصاد می‌پردازد و تصویر کامل‌تری برای تبیین فراهم می‌کند. علاوه بر این، در بررسی معنای دوم یعنی عمودی بودن ترکیب مبرهن است که اقتصاد نهادگرایی جدید به عنوان یک دانش بین‌رشته‌ای، با نوآوری‌های خاص خود در بکارگیری فرض واقعی‌تر مانند عقلانیت محدود، حضور نهادها و در نظر گرفتن «مبادله» به عنوان واحد تحلیل (Williamson, 2005)، نقش موثری در آشتی و ترکیب علم اقتصاد با دیگر علوم انسانی نظیر حقوق، نظریه سازمان، علم سیاست، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی ایفا نموده است (Klein, 1999). جمع‌بندی گام سوم نشان می‌دهد که اقتصاد نهادگرایی جدید دارای ترکیب از نوع سنتزی و عمودی است.

### گام چهارم: بازبینی و ارزیابی اقتصاد نهادگرایی جدید

گام آخر با استفاده از بررسی انتقادات، ناسازگاری‌ها و چالش‌های وارد شده بر نحله جدید مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص گردد آیا اساساً تعارض و چالشی وجود دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا این ناسازگاری‌ها هسته سخت را مورد حمله قرار داده یا این که انتقادات مرتبط با کمربندی محافظتی بوده است؟ برای بازبینی و ارزیابی نهایی در این بخش چالش‌ها، انتقادات، و ناسازگاری‌های نهادگرایی جدید از لحاظ ترکیب نظری ارائه می‌گردد.

**بروز پسگرد نامحدود:** هاجسون (۱۳۸۶)، معتقد است که در نهادگرایی جدید عیبت از فرد به نهاد است. بدین مفهوم که ابتدا فرد اقتصادی با عقلانیت محدود می‌خواهد تابع مطلوبیت خود را با توجه به قیود موجود از جمله قیود نهادی بیشینه کند، اما این قیود نهادی خود تابعی از نهادهای دیگر هستند. تابعیت نهادها از نهادهای دیگر موجب می‌شود که این فرایند تا بی‌نهایت ادامه یابد. چنین نتیجه‌ای در بستر بهینه‌یابی گریزناپذیر است.

**تعارض کارکرد ایدئولوژی با فردگرایی روش‌شناختی:** نورث معتقد است که قواعد رسمی در دنیای بدون ایدئولوژی نئوکلاسیکی نمی‌توانند مانع از سواری مجانی شوند، اما هنجارهای اخلاقی و ارزشی (ایدئولوژی) با افزایش سرمایه اجتماعی موجب کاهش هزینه مبادله ناشی از سواری مجانی می‌گردند. این موضوع نشان می‌دهد که قدرت ایدئولوژی بر اصل منفعت‌طلبی برتری یافته است. علی‌رغم این موضوع، مطابق فردگرایی روش‌شناختی، افراد از نهادها به عنوان پدیده‌های اجتماعی

برای بیشینه نمودن منافع استفاده می‌کنند. مشاهده «غلبه ایدئولوژی بر منفعت‌طلبی» و «تاکید بر فردگرایی منتج به منفعت‌طلبی» در یک قاب این تناقض را پیش می‌آورد که چگونه فردگرایی روش‌شناختی با فرض ایدئولوژی منطبق می‌شود (Fine & Milonakis, 2003)؟

**تعارض استفاده ابزاری از نهادها با نظام باورها:** در اقتصاد نهادگرایی جدید، افراد اقتصادی از نهادها به عنوان راهنمای رفتاری برای بیشینه نمودن منفعت‌طلبی استفاده می‌نمایند. بنابراین، ظهور و تکامل نهادها با محاسبات هزینه‌فایده قلمداد می‌شود (Meramveliotakis, 2018). این در حالی است که مطابق مبحث نظام باورها، استفاده از نهادها صرفاً ناشی از هوشمندی نیست، بلکه متأثر از هنجارها و اعتقادات افراد است که تحت تاثیر محاسبه‌گری نیست.

**ناسازگاری و کاستی‌های فرایند تغییرات نهادی:** همان‌گونه که اشاره شد، در تغییر نهادی پیوسته، کارآفرینان آگاهانه در چارچوب هزینه‌فایده به تغییر چارچوب نهادی اقدام می‌کنند که این موضوع با ایدئولوژی، باورها و تعصبات در برابر تغییرات نهادی سریع منافات دارد. انتقاد دیگری که در مقوله تحول نهادی وارد است، مرتبط با منشأ برون‌زای تحول نهادی است. این الگو، هیچ معرفی در خصوص چگونگی وقوع تغییر قیمت‌های نسبی یا رجحان‌ها به عنوان عامل اصلی تحول نهادی به‌دست نمی‌دهد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که این عوامل در «بیرون از مدل» در یک جعبه‌سیاه و به شکل نامعلومی تعیین می‌شود.

به نظر می‌رسد مولفه ایدئولوژی و نظام باورهای نورث مهم‌ترین عامل ناسازگاری با سایر مولفه‌هاست. کاوش و بررسی عمیق‌تر موضوع نشان می‌دهد که این موضوع به خاطر تطور نورث از اقتصاد نهادگرایی جدید به سمت علوم شناختی است. نورث در آثار متقدم خود هم‌نوا با سایر نهادگرایان جدید با پذیرش کمیابی و رقابت، اصل انتخاب منطقی را در نظریاتش می‌پذیرد و نهادها را به عنوان قیود مهمی برای تصحیح اصل عقلانیت نئوکلاسیک به آن اضافه می‌کند و بر نقش هزینه‌های مبادله در ارتباط بین نهادها و هزینه‌های تولید تاکید ویژه می‌ورزد (نورث، ۱۳۸۵). اما در نوشته‌های متأخر خود بر درک ذهن انسان و نظم اجتماعی تمرکز می‌کند و در راستای اهمیت مدل‌های متابین ذهنی عنوان می‌کند که: «ما از گزینه‌هایی که ساخت ذهن انسان هستند، غفلت می‌کنیم» (North, 2005: 11). وی در سال ۲۰۰۴ با صراحتی آشکار به اهمیت مباحث علوم شناختی در علم اقتصاد اشاره می‌کند (Mantzavinos et al., 2004). نورث (۲۰۰۵)، بر اهمیت باورها و نحوه تعامل آن‌ها با واقعیت اجتماعی تاکید می‌کند. مطابق نظر او، نهادها خارج از ذهن انسان و مدل‌های ذهنی (اعتقادات، ایدئولوژی‌ها، دانش) درون ذهن انسان هستند. افراد همواره در تلاش‌اند تا ظرفیت

محاسباتی محدود خود را تکمیل کنند. در جایی که رفتار منطقی قادر به عملکرد مناسب نباشد، باورها برای هدایت عمل و انتخاب انسان صورت می‌گیرد. بر اساس این، افراد بازیکنانی با عقلانیت محدود هستند که اعتقاداتی نیز دارند (North, 2005). نورث در کارهای متاخر خود در مورد تغییرات اقتصادی، یک چارچوب فرانظری مطابق رویکرد اقتصاد نهادی قدیم ارائه می‌دهد (Von Staden & Bruce, 2015). به عنوان نتیجه‌گیری این بخش می‌توان گفت که گرایش نورث به علوم شناختی در کارهای متاخر خود و همچنین قرابت‌های واپسین مطالعات وی با نهادگرایی قدیم حاکی از تطور تفکرات نورث از نهادگرایی جدید به سمت نئونهادگرایی<sup>۱</sup> است. در حال حاضر، نئونهادگرایی مانند هاجسون و رادفورد بر اساس اصول نهادگرایی قدیم در حال نظریه‌پردازی هستند. این افراد در توضیح رفتار افراد به ارزش‌ها، عادات، و فرهنگ توجه می‌کنند (Vanderberg, 2002).

با توجه به توضیحات ارائه‌شده، قاعدتاً نظام باورها و ایدئولوژی جزو اصول مورد توافق نهادگرایان جدید نیست، بلکه ناشی از دگرسانی اعتقادات و مطالعات نورث به سمت علوم شناختی و نئونهادگرایی است. بر اساس این، مهم‌ترین چالش جریان جدید نهادی در هسته سخت بروز پسگرد نامحدود نهادی به علت استفاده از نهادها توسط انسان اقتصادی و به عبارتی علیت یک‌طرفه از فرد به نهاد است. انتقاد دیگر یعنی «جعبه‌سیاه چگونگی تغییر قیمت‌های نسبی» ناشی از ناسازگاری میان فرض هسته سخت نیست، بلکه ناشی از عدم توضیح بیش‌تر و ابهام است و جایگاه آن در کمر بند محافظتی است که قابلیت تغییر، توضیح و تعدیل را خواهد داشت.

## بحث و نتیجه‌گیری

ترکیب نظریه‌ها یکی از رویکردهایی است که موجب دستیابی به نظریه‌ای جامع‌تر می‌گردد. چنین گرایشی تبعاً دغدغه سازگاری ترکیب و پرهیز از التقاط را به دنبال دارد. در اقتصاد نیز نهادگرایی جدید یکی از امتزاج‌هایی است که از ترکیب اصول نظری نئوکلاسیک و نهادگرایی قدیم به عنوان دو سنت فکری رقیب تشکیل گردیده است. با توجه به مواضع شدید انتقادی آن‌ها نسبت به یکدیگر، میزان انسجام اقتصاد نهادگرایی جدید به عنوان هدف پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت. بررسی نظریه‌های علمی حاکی از آن است که موضوع انسجام نظری در برنامه پژوهشی توسط لاکاتوش تصریح گردیده است. در این راستا، اقتصاد نهادگرایی جدید بر اساس الگوی تلینگز که منبعث از برنامه پژوهشی لاکاتوش است، مورد بررسی قرار گرفت. این الگو برای ارزیابی انسجام

نظریه‌های ترکیبی چهار گام اصلی شامل بررسی هدف ترکیب، امکان ایجاد زبان مشترک، تعیین نوع ترکیب، و بازبینی نظریه ترکیبی را در بر می‌گیرد. بررسی اولین گام نشان می‌دهد که مجموعه انتقادات دو مکتب نئوکلاسیکی و دگراندیش نهادی نسبت به یکدیگر و تصریح نقاط ضعف و قوت هر کدام موجب گردید که زمینه برای ظهور نهادگرایی جدید به عنوان یک امتزاج نظری فراهم گردد. کاوش در نظرات ضمنی نهادگرایان جدید نشان می‌دهد که آن‌ها برای عدم تقابل آشکار با نهادها و جریان قدرتمند علمی آن زمان، هدف خود را تعدیل فروض و گسترش اقتصاد نئوکلاسیکی اعلام کردند، اما در واقع هدف اصلی آن‌ها گسترش و تقویت تفکر نهادی در بستر نئوکلاسیکی بود. بررسی گام دوم یعنی ایجاد فرازبان نشان می‌دهد که نحله جدید نه فقط به واسطه ابداع هزینه مبادله، بلکه به خاطر تعدیل فروض اساسی هر کدام از جریان‌های مبدأ، چارچوب نهادی را به عنوان قواعد تعاملی می‌داند که افراد با عقلانیت محدود از آن برای بهینه‌سازی و کاهش هزینه مبادله استفاده می‌کنند. هزینه مبادله نقطه اتصالی است که نهادها را به عملکرد اقتصادی نئوکلاسیکی وارد می‌کند. نهادگرایی جدید با استفاده از فردگرایی روش‌شناختی تبیین می‌کند که کنش‌ها هم تحت تاثیر رجحان‌های افراد و هم تحت تاثیر پدیده‌های اجتماعی نظیر نهادها هستند. بر اساس این، نهادگرایی جدید در برقراری فرازبان موفق بوده است.

در گام سوم با بررسی فروض هسته سخت هر سه برنامه پژوهشی مشخص گردید که ترکیب نهادگرایی جدید از نوع سنتزی و عمودی است. گام آخر با استفاده از بررسی ناسازگاری‌ها و چالش‌های واردشده بر نحله جدید نهادی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این مرحله حاکی از آن است که این برنامه از حیث فرض ایدئولوژی و نظام باورها با فردگرایی روش‌شناختی، فرایند تغییرات نهادی و استفاده ابزاری از نهادها ناسازگار است. علاوه بر این، یکی دیگر از انتقادات بر این ترکیب نظری بروز پسگرد نامحدود نهادی است. کاوش و بررسی عمیق‌تر موضوع نشان می‌دهد که نورث در آثار متقدم خود هم‌نوا با سایر نهادگرایان جدید اصل انتخاب منطقی را می‌پذیرد، اما کارهای متاخر او حاکی از تطور تفکراتش به سمت علوم شناختی و نئونهادگرایی است.

با توجه به توضیحات ارائه‌شده، قاعدتاً نظام باورها و ایدئولوژی جزو اصول مورد توافق نهادگرایان جدید نیست. بر اساس این، مهم‌ترین چالش جریان جدید نهادی در هسته سخت، ظهور پسگرد نامحدود به علت بهینه‌سازی مشروط به چارچوب نهادی است. انتقاد دیگر یعنی «چگونگی تغییر قیمت‌های نسبی» ناشی از ناسازگاری میان فروض هسته سخت نیست، بلکه به علت وجود ابهام است و جایگاه آن در کمر بند محافظتی است.

به عنوان نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت که با توجه به مواضع شدید انتقادی دو جریان مبدأ نسبت به یکدیگر، بروز مقداری ناسازگاری قابل‌پیش‌بینی بود که این مسئله خود را عمدتاً با ایجاد پسگرد نامحدود نشان داد. شایان ذکر است تأکید بدوی و هم‌صدایی اندیشمندان جدید نهادی بر عدم تقابل با جریان نئوکلاسیک، کسب جوایز نوبل توسط رهبران این جریان، و تطور متاخر افرادی نظیر نورث از نشانه‌هایی است که اثبات می‌کند این میزان ناسازگاری دلیلی بر ناآگاهی و التقاط نیست، بلکه هزینه‌ای است که نهادگرایان جدید برای گسترش تفکر نهادی و عدم تقابل آشکار با جریان قدرتمند حاکم بر علم در آن زمان متقبل شدند. پس توانایی این نحله برای عبور موفق از سه‌گام اول و ناسازگاری محدود در گام چهارم با توجه به هدف نهادی ترکیب، حکایت از انسجام مناسب این جریان در پیشبرد اهداف خود به عنوان یک برنامه پژوهشی دارد.

### اظهاریه قدردانی

از پیشنهادها و توصیه‌های شایسته داوران محترم و ناشناس «نشریه برنامه‌ریزی و بودجه» که در بهبود کیفی مقاله نقش مهمی داشته‌اند و نیز از ویراستار علمی «نشریه برنامه‌ریزی و بودجه» (آقای مازیار چابک) تشکر و قدردانی می‌نماییم.

### منابع

- Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2006). *Economic Origins of Dictatorship and Democracy*: Cambridge University Press.
- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2005). Institutions as a Fundamental Cause of Long-Run Growth. *Handbook of Economic Growth, 1(A)*, 385-472. [https://doi.org/10.1016/S1574-0684\(05\)01006-3](https://doi.org/10.1016/S1574-0684(05)01006-3)
- Acemoglu, D., Johnson, S., Robinson, J., & Thaicharoen, Y. (2003). Institutional Causes, Macroeconomic Symptoms: Volatility, Crises and Growth. *Journal of Monetary Economics, 50(1)*, 49-123. [https://doi.org/10.1016/S0304-3932\(02\)00208-8](https://doi.org/10.1016/S0304-3932(02)00208-8)
- Arnsperger, C., & Varoufakis, Y. (2006). What Is Neoclassical Economics? The Three Axioms Responsible for Its Theoretical Oeuvre, Practical Irrelevance and, Thus, Discursive Power. *Panoeconomicus, 53(1)*, 5-18. <http://dx.doi.org/10.2298/PAN0601005A>
- Arrow, K. J. (1969). The Organization of Economic Activity: Issues. *The Analysis and Evaluation of Public Expenditures: the PPB System: pt. 1. The Appropriate Functions of Government in an Enterprise System. pt. 2. Institutional Factors Affecting Efficient Public Expenditure Policy. pt. 3. Some Problems of Analysis in Evaluating Public*

*Expenditure Alternatives.*

- Ayres, C. E. (1962). *The Theory of Economic Progress: A Study of the Fundamentals of Economic Development and Cultural Change*: Schocken Books.
- Boland, L. A. (1979). Knowledge and the Role of Institutions in Economic Theory. *Journal of Economic Issues*, 13(4), 957-972. <https://doi.org/10.1080/00213624.1979.11503714>
- Chavance, B. (2009). *Institutional Economics*: Routledge.
- Clark, J. M., & Bye, R. T. (1925). Problems of Economic Theory--Discussion. *The American Economic Review*, 15(1), 56-61.
- Coase, R. H. (1937). The Nature of the Firm. *Economica*, 4(16), 386-405. <https://doi.org/10.2307/2626876>
- (1998). The New Institutional Economics. *The American Economic Review*, 88(2), 72-74.
- Commons, J. (1934). *Institutional Economics—Its Place in Political Economy*: Macmillan.
- (1931). Institutional Economics. *The American Economic Review*, 21(4), 648-657.
- Feyerabend, P. K. (1970). Philosophy of Science: A Subject with a Great Past. In *Historical and Philosophical Perspectives of Science*: University of Minnesota Press.
- Fine, B., & Milonakis, D. (2003). From Principle of Pricing to Pricing of Principle: Rationality and Irrationality in the Economic History of Douglass North. *Comparative Studies in Society and History*, 45(3), 546-570. <https://doi.org/10.1017/S0010417503000252>
- Furubotn, E. G., & Richter, R. (1991). *The New Institutional Economics: A Collection of Articles from the Journal of Institutional and Theoretical Economics*: Mohr Siebeck.
- Heidari, S., Almasi, M., & Fatahi, S. (2021). Paradigmatic Typology of Economic Schools and the Role of Transaction Cost in the Paradigm Shift1. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 27(107), 63-82. [http://method.rihu.ac.ir/article\\_1819.html](http://method.rihu.ac.ir/article_1819.html)
- Hodgson, G. M. (1996). *Economics and Evolution: Bringing Life Back into Economics*: University of Michigan Press.
- Kerkmester, H. (1999). Methodology: General. In *Encyclopedia of Law and Economics* (pp. 383-401): Edward Elgar.
- Klein, P., G. (1999). New Institutional Economics. In *Encyclopedia of Law and Economics* (pp. 456-489): Edward Elgar.
- Knack, S., & Keefer, P. (1995). Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional Measures. *Economics & Politics*, 7(3), 207-227. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0343.1995.tb00111.x>
- Koppl, R., Kauffman, S., Felin, T., & Longo, G. (2015). Economics for a Creative World. *Journal of Institutional Economics*, 11(1), 1-31. <https://doi.org/10.1017/S1744137414000150>
- Kuhn, T. S. (1970). *The Structure of Scientific Revolutions* (Vol. 111): University of Chicago Press.
- Lakatos, I. (1970). *History of Science and Its Rational Reconstructions*. Paper Presented at the PSA: Proceedings of the Biennial Meeting of the Philosophy of Science Association.
- (1976). Falsification and the Methodology of Scientific Research Programmes. In *Can Theories Be Refuted?* (pp. 205-259): Springer.
- Lawson, T. (2006). The Nature of Heterodox Economics. *Cambridge Journal of Economics*, 30(4), 483-505. <https://doi.org/10.1093/cje/bei093>

- Lawson, T., & Pesaran, H. (1985). *Keynes' Economics (Routledge Revivals): Methodological Issues*: Routledge.
- Mantzavinos, C., North, D. C., & Shariq, S. (2004). Learning, Institutions, and Economic Performance. *Perspectives on Politics*, 2(1), 75-84. <https://doi.org/10.1017/S1537592704000635>
- Mashhadiahmad, M. (2015). Neoclassical Economics A Different Historical Narration. *The Journal of Planning and Budgeting*, 20(1), 161-192. <http://jpbud.ir/article-1-964-fa.html>
- Medema, S. G., Mercurio, N., & Samuels, W. J. (1999). *Institutional Law and Economics*. In *Encyclopedia of Law and Economics* (pp. 418-455): Edward Elgar.
- Ménard, C., & Shirley, M. M. (2014). The Contribution of Douglass North to New Institutional Economics. *Institutions, Property Rights, and Economic Growth: the Legacy of Douglass North*. Cambridge University Press, Cambridge, 11-29.
- Meramveliotakis, G. (2018). New Institutional Economics: A Critique of Fundamentals & Broad Strokes towards an Alternative Theoretical Framework for the Analysis of Institutions. *Asian Journal of Social Science Studies*, 3(2), 50-64. <https://doi.org/10.20849/ajsss.v3i2.395>
- Mohammadi Alamuti, M. (2021). The Concept of Rational Behavior and the Problem of Learning from Error in Neoclassical Economics: With a View of the Austrian's Critiques. *The Journal of Planning and Budgeting*, 26(1), 169-205. <https://doi.org/10.52547/jpbud.26.1.169>
- Neurath, O., Carnap R., & Morris C., V. (1971). *Foundation of the Unity of Science, Toward an International Encyclopedia of Unified Science*: University of Chicago Press.
- North, D. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*: Cambridge University Press.
- (2005). *Understanding the Process of Economic Change*: Princeton–Oxford Press.
- (1984). Transaction Costs, Institutions, and Economic History. *The New Institutional Economics: A Collection of Articles from the Journal of Institutional and Theoretical Economics*, 140(1), 7-17.
- (1992). Institutions and Economic Theory. *The American Economist*, 61(1), 72-76. <https://doi.org/10.1177/0569434516630194>
- (1994). Economic Performance through Time. *The American Economic Review*, 84(3), 359-368.
- North, D. C., Wallis, J. J., & Weingast, B. R. (2009). Violence and the Rise of Open-Access Orders. *Journal of Democracy*, 20(1), 55-68. <https://doi.org/10.1353/jod.0.0060>
- Parada, J. J. (2001). Original Institutional Economics: A Theory for the 21st Century? *Oeconomicus*, 5(3), 46-60.
- Popper, K. (1963). *Conjectures and Refutations: The Growth of Scientific Knowledge*: Routledge.
- Reuter, N. (1994). *Der Institutionalismus: Geschichte und Theorie der evolutionären Ökonomie*: Metropolis-Verlag.
- Richter, R. (2005). The New Institutional Economics: Its Start, Its Meaning, Its Prospects. *European Business Organization Law Review (EBOR)*, 6(2), 161-200. <https://doi.org/10.1017/S1566752905001618>
- Rodrik, D. (2015). *Economics Rules: The Rights and Wrongs of the Dismal Science*: WW Norton & Company. <https://doi.org/10.17323/1726-3247-2015-4-39-59>
- Rutherford, M. (1994). *Institutions in Economics*: Cambridge University Press.

<https://doi.org/10.1017/CBO9780511625879>

- \_\_\_\_\_ (1995). The Old and the New Institutionalism: Can Bridges Be Built? *Journal of Economic Issues*, 29(2), 443-451. <https://doi.org/10.1080/00213624.1995.11505681>
- \_\_\_\_\_ (1996). *Institutions in Economics: The Old and the New Institutionalism*: Cambridge University Press.
- \_\_\_\_\_ (2001). Institutional Economics: Then and Now. *Journal of Economic Perspectives*, 15(3), 173-194. <https://doi.org/10.1257/jep.15.3.173>
- Tellings, A. (2001). Eclecticism and Integration in Educational Theories: A Metatheoretical Analysis. *Educational Theory*, 51(3), 277-292. <https://doi.org/10.1111/j.1741-5446.2001.00277.x>
- Vandenberg, Paul. (2002). North's Institutionalism and the Prospect of Combining Theoretical Approaches. *Cambridge Journal of Economics*, 26 (2), 217-235. <https://doi.org/10.1093/cje/26.2.217>
- Veblen, T. (1899). *The Theory of the Leisure Class: An Economic Study of the Evolution of Institutions*: Macmillan.
- \_\_\_\_\_ (1909). The limitations of Marginal Utility. *Journal of Political Economy*, 17(9), 620-636. <https://doi.org/10.1086/251614>
- Von Staden, P., & Bruce, K. (2015). Original and New Institutional Economics: Brethren rather than Foes? Lessons from the Sociocognitive Turn in "Late" Douglass North. *Journal of Economic Issues*, 49(1), 111-125. <https://doi.org/10.1080/00213624.2015.1013882>
- Wilber, C. K., & Harrison, R. S. (1978). The Methodological Basis of Institutional Economics: Pattern Model, Storytelling, and Holism. *Journal of Economic Issues*, 12(1), 61-89. <https://doi.org/10.1080/00213624.1978.11503505>
- Williamson, O. E. (1975). Markets and Hierarchies: Analysis and Antitrust Implications: A Study in the Economics of Internal Organization. *University of Illinois at Urbana-Champaign's Academy for Entrepreneurial Leadership Historical Research Reference in Entrepreneurship*.
- \_\_\_\_\_ (1985). *The Economic Institutions of Capitalism: Firms, Markets, Relational Contracting*: Free Press.
- \_\_\_\_\_ (1998). Transaction Cost Economics: How It Works; Where It Is Headed. *De Economist*, 146(1), 23-58. <https://doi.org/10.1023/A:1003263908567>
- \_\_\_\_\_ (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, 38(3), 595-613. <https://doi.org/10.1257/jel.38.3.595>
- \_\_\_\_\_ (2005). *Transaction Cost Economics*. In *Handbook of New Institutional Economics* (pp. 41-65): Springer.

### ب) فارسی

- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گیلیس، دانالد (۱۳۹۴). فلسفه علم در قرن بیستم: چهار موضوع اصلی. ترجمه حسن میان‌داری، انتشارات طه.
- منکیو، گریگوری (۱۳۹۹). مبانی علم اقتصاد. ترجمه حمیدرضا ارباب، انتشارات نی.
- نورث، داگلاس (۱۳۸۵). نهادهای و تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی. ترجمه محمدرضا معینی، انتشارات



سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

هاجسون، جفری ام. (۱۳۸۶). جوهره اقتصاد نهادگرا چیست؟ ترجمه محمود متوسلی و محمود مشهدی احمد،

نشریه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۲(۳)، ۸۵-۶۵. <http://jpbud.ir/article-1-29-fa.html>

